

دوفصل نامه علمی - ترویجی سیره پژوهی اهل بیت علیهم السلام
سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹
صفحات ۳۷ - ۵۵

جایگاه «زمان و مکان» در سیره امام حسن عسکری علیه السلام از «منش فرازمانی» تا «سیره عصری»

احمد فلاح زاده^۱

چکیده

ساخت سامرا و انتقال پایتخت خلافت عباسی از بغداد به سامرا در حدود سال ۲۲۳، موجب شد تا ترکیب جمعیتی و بافتار فکری آن از دیگر شهرهای جهان اسلام متفاوت شود. حکومت نظامیان ترک تبار، رسمی شدن جریان اهل حدیث و وجود سنت‌های بنی هاشمی از عوامل اصلی تشکیل دهنده بافتار فکری و فرهنگی شهر سامرا بود. بر این اساس این پرسش مطرح می‌شود که حضور امام حسن عسکری علیه السلام در این شهر، چه تأثیری بر سیره سیاسی-اجتماعی ایشان داشت؟ این پژوهش بر اساس نظریه تأثیر زمان و مکان بر سبک زندگی به بررسی سیره آن حضرت پرداخته و نشان داده است که شرایط فکری و فرهنگی سامرا موجب شده تا زندگی امام حسن علیه السلام در دو بعد «فرازمانی» و «عصری» نمود پیدا کند. در بعد «فرازمانی»، نشان داده شد که امام در اموری مانند سیره عبادی مانند امامان پیشین رفتار کردند اما در بعد «عصری»، رفتار ایشان در اثر عناصر زمان و مکان دچار دگرگونی شده است.

کلیدواژه‌ها: امام حسن عسکری علیه السلام، تأثیر زمان و مکان بر سیره، رویکرد فرازمانی در سیره، سیره عصری.

۱. دکتری تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی تهران. ahrām12772@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۱۰

درآمد

پس از فراخوانی امام هادی علیه السلام به سامرا در سال ۲۳۳ هجری از سوی متوکل (مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۳۳، یعقوبی، ۱۴۲۲: ۲/ ۴۸۴-۴۸۵)، آن حضرت خانواده و از جمله امام حسن عسکری علیه السلام (۲۳۲-۲۶۰) را همراه خود به آن شهر بردند (ابن صوفی، ۱۴۲۲: ۱۳۲). به سبب شرایط امنیتی سامرا، امام حسن عسکری علیه السلام در دوره پدر چندان شناخته شده نبود. ایشان تا هنگام درگذشت برادرش محمد، از دید بسیاری از بزرگان امامیه نیز پنهان بودند (کلینی، ۱۴۲۹: ۱/ ۵۰۹). اما پس از شهادت امام هادی علیه السلام، فرزندش حسن علیه السلام اداره امور امامت را در اختیار گرفت. ایشان با سه تن از خلفای عباسی یعنی معتز (حک. ۲۵۲-۲۵۵)، مهدی (حک. ۲۵۵-۲۵۶) و معتمد (حک. ۲۵۶-۲۷۸) معاصر بودند. شرایط سیاسی-اجتماعی سامرا، چینش جمعیتی، ساختار شهری، در کنار دیدگاه‌های عمومی مانند نوع نگاه دینی به بنی هاشم و بالیدن جریان اهل حدیث، امام را در شرایط ویژه‌ای قرار داد. پژوهش پیش‌رو، با تقسیم‌بندی سیره آن حضرت به دو بخش سیره فرازمانی و سیره عصری، به واکاوی جنبه‌های این دو مفهوم می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

بیشتر پژوهش‌هایی که درباره امام حسن عسکری علیه السلام انجام شده به گزارش زندگی آن حضرت اختصاص دارد. کتاب *موسوعة الامام الحسن العسکری علیہ السلام* به قلم نویسندگان موسسه امام مهدی علیه السلام (۱۴۲۶)، شمار بسیاری از روایت‌های تاریخی-حدیثی درباره امام را بدون تحلیل تاریخی گردآورده است. علی الصغیر (۲۰۰۹) در کتاب *الامام الحسن العسکری علیہ السلام و وحدة الهدف و تعدد الاسالیب*، بیشتر به تفاوت‌های سیره آن حضرت با دیگر ائمه علیهم السلام و ذکر رویدادهای سیاسی پرداخته و مطلبی درباره «سیره عصری» مطرح نکرده است. علی الصغیر در گفتاری با عنوان «الامام الحسن العسکری فی ظواهر ذاتیه» از نظریه کلامی حاکم بر کتابش یعنی «یکنواختی سیره اهل بیت در همه امور» دفاع کرده است. الحداد (۲۰۱۵) در کتاب *الامام الحسن العسکری علیہ السلام و روایاته الفقہیة، دراسة فی دلالات المتون*، به کارنامه فقهی امام حسن عسکری علیه السلام پرداخته و وارد سیره پژوهی نشده است. همچنین، قزوینی (۱۳۸۴ ش) در کتاب *الامام الحسن العسکری علیہ السلام من المهدی الی الحد و علی موسی الکعبی (بی تا)*، در کتاب *الامام الحسن العسکری علیه السلام سیره و تاریخ*، به روش توصیفی به شرح زندگی امام توجه کرده و به دسته‌بندی سیره و واکاوی تاریخی ریشه رویدادها نمی‌پردازد. کورانی (۱۳۹۲ ش) نیز در کتاب *الامام الحسن*

العسکری (ع) والد الامام المهدي الموعود (ع) به همین روش به شرح تاریخی زندگانی امام (ع) توجه کرده است. صالح دلی (۲۰۱۳) در مقاله «الامام الحسن العسکری (ع) و سیرته الذاتية و نشاطه السياسي و الفکری»، به بررسی تاریخی سیره فردی و فعالیت های سیاسی و فکری امام می پردازد. عبدالحسین (۲۰۱۸) در مقاله «الامامة الامام الحسن العسکری (ع) و الظروف المحيطة بها» نیز فقط به توصیف شماری از رخدادها و شرایط زمانی سیره سیاسی، پرداخته است. یاسین درویش (۲۰۱۸) در مقاله «رعاية الطفولة و الاعداد التربوي في مرويات الامام الحسن العسکری» شماری از روایت های تربیتی امام را در راستای دستیابی به سبک تربیتی فرزندان گردآوری و توصیف کرده است. آیینه‌وند (۱۳۸۵) در مقاله «تاریخ سیاسی ائمه هدی: از عصر امام سجاد (ع) تا امام عسکری (ع)» بسیار گذرا به زندگی امام حسن عسکری (ع) اشاره می کند و به واکاوی سیره با زمینه های سیاسی-اجتماعی نمی پردازد. پاکتچی (۱۳۹۲) در مقاله «حسن عسکری (ع)»، بدون رویکرد به سیره عصری، به صورت مختصر و مفید اطلاعات درخوری درباره آن حضرت ارائه کرده است. عبدالکریم تبریزی (۱۳۸۱) در مقاله «سیری در سیره فردی و اجتماعی امام حسن عسکری» به تأثیرگذاری امام حسن عسکری (ع) در روند باورسازی مهدویت پرداخته است. تمام پژوهش های بالا بدون توجه به شرایط مکانی و زمانی به بررسی سیره امام پرداخته اند. از این رو پژوهش پیش رو، با توجه به شرایط مکانی و زمانی به بررسی سیره سیاسی، اجتماعی، فرهنگی امام حسن عسکری (ع) می پردازد.

مفاهیم پژوهش

سیره فرازمانی: رفتاری ثابت در سیره اهل بیت (ع)، در رویه های شخصی (فرد در نسبت با خود و معتقداتش) و عمومی (فرد در نسبت با جامعه)، مانند سیره اخلاقی، سیره عبادی.

سیره عصری: بخشی از سبک زندگی اهل بیت (ع) که متناسب با تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دگرگونی های زمان و مکان تغییر می کند، مانند سیره اجتماعی و سیره فرهنگی.

تأثیر زمان و مکان بر سبک زندگی

از مولفه های ناپایدار در شکل دهی اخلاق انسانی، مثلث جغرافیا، فرهنگ و جامعه است. پیوندهای ژرف میان این سه و تأثیر آنها بر سبک زیست، کاملاً آشکار است. در جوامع نوپایی که در حال شکل گیری هستند و قوانین نانوشته ای دارند، سه گانه جغرافیا، فرهنگ و جامعه، موجب گونه بندی ها و تغییرهایی می شود که انسان ها تحت تأثیر این عناصر، رفتارهای

متفاوتی از خود بروز می دهند. بر همین مبنا، نظریه «جبرگرایی جغرافیایی» معتقد است، رفتار انسانی برگرفته از شرایط جغرافیایی اوست (نگارش، ۱۳۷۴: ۵۵-۵۷). در فلسفه صدرایی با عبارت «جسمانیة الحدوث» از تأثیر «شرایط جغرافیایی» بر جسم، یاد می شود (شاد دل و کاوندی، ۱۳۹۲: ۸۹). تأثیر محیط بر افراد، متفاوت است. همان طور که از لابلای گفتارهای وابسته به تحلیل چهار اقلیم مزاج شناسی «سرد و خشک»، «گرم و مرطوب»، «گرم و خشک» و «معتدل»، چنین تفاوت هایی مطرح می شود (دهقانی، ۱۳۸۹: ۷۹). عامل «زمان و مکان» به صورت مشخص فرد را وادار به کنش و واکنش شخصی بر اساس نیاز زمان می کند. «زمان و مکان» در بردارنده جنبه های زیستی، آداب و رسوم حاکم بر دوره و حاوی بایستگی های شخصیتی است. موضوعی که ابن خلدون نیز آن را در بازتاب رفتار فردی مطرح کرده است (ربانی، ۱۳۸۵: ۵۳). اثر زمان و مکان بر رخدادها چنان است که در مطالعات اسلامی معاصر به ویژه در پژوهش های فقهی، تأثیر این دو عامل در تطور مفهوم اجتهاد (جناتی، ۱۳۷۲: ۳-۷؛ صابریان، ۱۳۸۵: ۵؛ سپهوند، ۱۳۹۳: ۹۷) در قالب تحول شیوه های زندگی، نگاهی محوری به شمار می رود (جلیل زاده، ۱۳۹۱: ۱۶۹). بر این اساس در این مقاله، در سامرای عصر امام حسن عسکری علیه السلام، دو عنصر زمان و مکان با ایجاد سنت های عصری، سیره امام را به دو بخش «منش فرازمانی» و «سیره عصری» تقسیم می کند.

سیره اخلاقی؛ نمونه ای از منش فرازمانی

در سیره عمومی اهل بیت علیهم السلام، اخلاق مداری و پای بندی به رفتار برتر، بخشی از ویژگی های ایشان است. منش اخلاقی امام حسن عسکری علیه السلام یعنی مشی بزرگوارانه، وقار، حیا، نجابت، بزرگی و بخشش ایشان، بزرگان بنی هاشم و برخی از درباریان را وامی داشت، امام علیه السلام را بر خود مقدم بدارند (کلینی، ۱۴۲۹: ۲ / ۶۱۴). بخشی از این سیره، فهرستی از دستورهای اخلاقی است که به مباحث شخصی، شخصیتی و اجتماعی پیوند می خورد. اینکه دروغ کلید همه زشتی هاست (شعیری، بی تا: ۱۴۸)؛ شوخی فراوان مایه از بین رفتن شخصیت است و جدال و بگومگو کردن علت از بین رفتن بزرگی است (ابن شعبه، ۱۴۰۴: ۴۸۴)؛ سفارش به فروتنی در مجالس و دوری از خودبینی، هم نشینی با بزرگان، پیشگامی در سلام، دوری از خنده نابه جا، نپوشاندن نیکی های دیگران، راستگویی و ادای امانت، از اصول فرهنگ اخلاقی آن حضرت به شمار می رفت (ابن شعبه، همان: ۴۸۵-۴۸۴). مهربانی و خوش خلقی به همراه دوری از خشم، غیبت و رشک بردن از پایه های اخلاقی آن حضرت بود (همان، ۴۸۸). مهمان نوازی

خصیبه، ۱۴۱۱: ۳۳۰) ترک حرام، دوری از شبهه و گناه، ورع و پای بندی به حق، از مباحث مهم سیره اخلاقی ایشان بود. همچنین در سیره ایشان دوستی با نادان سبب ناراحتی و سخن گفتن بدون حکمت نشانه نادانی محسوب می شدند (ابن شعبه، همان: ۴۸۹). از نظر امام علیه السلام، چارچوب کلی سبک زندگی، در یک جمله ایمان به خدا و دوستی و نیکی به هم کیشان بود (همانجا). در بحث اخلاق فردی نیز، انجام امور شخصی از سوی آن حضرت و رسیدگی به امور مردم، جایگاه ویژه ای داشت (ابن عبدالوهاب، بی تا: ۱۳۵-۱۳۴).

سیره عبادی نمونه ای از منش فرازمانی

آن حضرت روزانه ۵۱ رکعت نماز می گذاردند و به امامیه نیز سفارش می کردند به همین میزان عبادت کنند (مفید، ۱۴۱۳ ب: ۵۳؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۶ / ۵۲؛ همو، ۱۴۱۱: ۲ / ۷۸۸؛ ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۳ / ۱۰۰). وضو گرفتن در برابر دیگران (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲ / ۴۷۴)، سفارش به یاران درباره غسل شب های ۱۷، ۱۹، ۲۱ و ۲۳ رمضان، و به طور خاص سفارش به احیای شب ۲۳ رمضان با خواندن صد رکعت نماز دو رکعتی در قالب یک حمد و ده بار سوره توحید، بخشی از منش رضوانی آن حضرت به شمار می رفت (همو، ۱۳۹۶: ۱۰۴-۱۰۳). نماز مخصوص آن حضرت که به یاران سفارش می شد، نماز دو رکعتی با یک حمد و صد توحید بود (راوندی، ۱۴۰۷: ۸۹). گزارش دیگر حاکی از نماز چهار رکعتی منسوب به امام علیه السلام به شکل دو رکعت، دو رکعت، که در رکعت اول سوه حمد و توحید یک بار و زلزال ۱۵ مرتبه و در رکعت دوم یک حمد و ۱۵ بار توحید است (ابن طاووس، ۱۳۳۰: ۲۷۹). از دیگر ویژگی های امام علیه السلام سجده های طولانی است (طبری، ۱۴۱۳: ۴۳۱؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۲۱۷). توجه فراوان امام علیه السلام به نماز شب سبب شد تا شماری از یاران از امام علیه السلام درباره چگونگی نذر نماز شب سؤال کنند (طوسی، ۱۴۰۷: ۲ / ۳۳۵).

سیره فردی؛ از منش فرازمانی تا سیره عصری

سیره فردی، همان زندگی شخصی در حریم خصوصی است که می تواند تحت تأثیر مقتضیات زمان و مکان، دچار دگرگونی شود. در سیره امام یازدهم با توجه به انتقال بیت امامت از مدینه به سامرا در دوره امام هادی علیه السلام، انتظار می رود، بخشی از سیره فردی آن حضرت تحت تأثیر شرایط تغییر کرده باشد. نخستین بازتاب این سیره در سبک پوشش آن حضرت دیده می شود. پوشش آن حضرت در داخل خانه، معمولاً پیراهنی سفید بود (مسعودی، همان: ۱۰۷؛ طوسی، همان: ۲۴۶-۲۴۷؛ طبری، ۱۴۱۳: ۵۰۵؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱ / ۲۷، ۴ / ۳۶۰). اما همین پوشاک در مواجهه با شخصیت های متمایل به

جریان‌های زهدگرا کمی تغییر می‌کرد؛ چه آنکه از نظر آنها پوشش، نماد سنجش میزان معنویت بود (مسعودی، همان: ۱۰۷؛ طوسی، همان: ۲۴۶-۲۴۷؛ طبری، ۱۴۱۳: ۵۰۵؛ ابن شهر آشوب، همان: ۱/ ۲۷، ۴/ ۳۶۰). معمولاً یاران نیز از سبک پوشش امام علیه السلام یعنی سفید پوشی، پیروی می‌کردند (طبری، همان: ۵۲۱). این سبک پوشش حتی بیرون از خانه، به مخالفت با شعار سیاه پوشی عباسیان تفسیر می‌شد (اصفهانی، ۱۴۱۵: ۱۰/ ۴۰۷؛ جهشیاری، ۱۴۰۸: ۲۰۲). آن حضرت هرگز مانند پدرش گاهی پوشش رسمی عباسیان یعنی لباس سیاه و عمامه سیاه بر سر نمی‌نهاد (طبری، همان: ۴۱۹).

کرامت‌های امام؛ از مثنی‌فرزمانی تا سیره عصری

کرامت و انجام امر خارق العاده، یکی از مؤلفه‌های انبیا در قرآن (یوسف، ۹۳) و یکی از ویژگی‌های اهل بیت علیهم السلام است. درباره امام حسن عسکری علیه السلام نیز به دلیل تفاوت سبک زندگی با سایر ائمه علیهم السلام، می‌توان کرامات آن حضرت را سیره عصری نامید. زیرا به استناد منابع، بیشترین کرامات ایشان در حوزه «ذهن خوانی و ضمیر خوانی» بود. یعنی پیش از آنکه صاحب تقاضا چیزی بگوید، امام، ذهن و ضمیر فرد را می‌خواند و حاجت او را بیان و سپس ادا می‌کرد. برای نمونه وقتی محمد بن علی بن ابراهیم بن کاظم علیه السلام به همراه پسرش برای نخستین بار نزد امام آمد، به دلیل حیا، اظهار درخواست نکرد، اما آن حضرت، حاجتش را ضمیرخوانی کرد و او از این تشخیص دقیق امام، در شگفت شد (کلینی، همان: ۲/ ۶۲۳). این موضوع بارها برای یاران امام اتفاق افتاد. برای مثال ابوهاشم جعفری آن هنگام که بدهکار شد، به امام مراجعه کرد، ولی از بیان نیاز خود شرم داشت. اما در کمال تعجب، امام، درست به اندازه‌ای که بدهکار بود سکه‌هایی به وی بخشید تا بدهی‌اش را بپردازد. او یکبار دیگر هم که آرزو داشت انگشتری از امام هدیه بگیرد، نزد امام رفت، ولی چیزی نگفت. اما امام انگشترش را به او هدیه داد (همان: ۲/ ۶۳۰-۶۳۹). از این موارد برای ابواسحاق یکی از یاران امام (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲/ ۴۴۵؛ راوندی، ۱۴۰۹: ۳/ ۱۱۰۰) و علی بن زید از نوادگان امام سجاد علیه السلام (کلینی، همان: ۲/ ۶۳۴-۶۳۵) و دیگرانی از امامیه نیز نقل شده است. این ضمیرخوانی‌ها، نشانه امامت ایشان شمرده می‌شد (مسعودی، همان: ۲۵۲؛ کلینی، همان: ۲/ ۶۲۷).

گونه دیگری از کرامت امام، سخن گفتن به زبان بردگان و کنیزانش یعنی زبان ترکی، صقلابی (اسلاوی) و رومی بود (کلینی، همان: ۱/ ۵۰۹). بخشی دیگر از این کرامت‌ها، در قالب پیشگویی بود که تقریباً، در میان سایر ائمه علیهم السلام به این میزان سابقه نداشت. تعیین زمان کشته

شدن دو نفر از خلفا، یعنی معتز عباسی (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۰۵؛ طبری، ۱۴۱۱: ۴۲۸؛ ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۷۴؛ ابن صباغ، ۱۴۲۲: ۲/۱۰۸۲؛ کلینی، همان: ۲/۱۲۳-۱۲۴) و مهتدی عباسی (مسعودی، همان: ۲۵۳-۲۵۲؛ کلینی، همان: ۲/۶۳۶؛ مفید، همان: ۲/۳۳۳) و حتی پیشگویی وقت شهادت خودشان (صفار، ۱۴۱۴: ۱/۴۸۲؛ مسعودی، همان: ۲۵۰؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲/۴۰۸) از مهم‌ترین پیشگویی‌های آن حضرت بود.

عوامل مؤثر در «سیره عصری» امام حسن عسکری علیه السلام

عناصر زمان و مکان، سبک زندگی جامعه نوپای سامرا، تعامل و تقابل اقوام در این شهر و سنت‌های عصری، شرایطی پیش روی آن حضرت نهاد که ایشان ناگزیر به مراعات آنها بود.

۱) طبقات اجتماعی سامرا

سامرا شهری حکومتی بود و به سفارش خلیفه برای تسلط بیشتر بر اوضاع و دور شدن از جنجال‌های بغداد ساخته شده بود. این شهر به دلیل شرایط ویژه جغرافیایی و شهروندی، طبقه‌بندی جمعیتی خاصی داشت. به دلیل کوچ یکباره دولتمداران به این شهر، عملاً سنت‌های حاکم بر دربار، خمیرمایه اصلی آداب و رسوم حاکم بر شهر بود که طی آن بنی هاشم اعم از عباسی و علوی در رتبه نخست منزلت شهروندی قرار داشتند (مسعودی، همان: ۲۴۴-۲۴۳؛ خصیبی، همان: ۲۵۰-۲۴۸). پس از آنها، به ترتیب، وزیران، کاتبان، عالمان، سپس فرماندهان سپاه، امیران، خادمان، اهل دربار و آن‌گاه مردم عادی، در طبقات بعدی جای می‌گرفتند (خصیبی، همان: ۲۷۲). در این جامعه نوپید، تحت تأثیر جغرافیای زیستی و تفاوت فرهنگی آن با بغداد، چارچوب اجتماعی دیگری حاکم بود. چنان‌که اگر کسی به بهانه فروتنی یا زهدگرایی از آداب حاکم بر طبقه اجتماعی خود پیروی نمی‌کرد، این به معنای از دست دادن جایگاه طبقاتی‌اش بود. ایجاد محله‌های بزرگ تُرک نشین همچون «کرخ سامرا» (نویری، ۱۴۲۳: ۲۲/۳۱۷) و تلاش ترکان برای حفظ پیوندهای قومی و پاسداشت زبان و فرهنگ تُرکی و همچنین چیرگی‌شان بر سپاه و دربار، سازوکارهای سیاسی تأثیرگذار بر فرهنگ را دگرگون ساخته بود. تفاوت طبقاتی میان طبقات اجتماعی مانند کارگزاران (نویری، همان: ۲۲/۳۰۷)، فرماندهان، کاتبان و بنی هاشم که دارای شرافت اجتماعی بودند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵: ۴/۳۰۸) در مناسبات شهروندی تأثیر گذاشته بود. برای این مبنای طبقه‌بندی رسم خانه‌های بزرگان و همچنین براساس محدودیت‌های مَحرم و نامحرمی، اعضای خانه امام نیز به سه طبقه حرم (همسران و فرزندان)، کارگزاران (وکیلان و کاتبان) و بردگان (غلامان و

کنیزان) تقسیم می‌شدند (مسعودی، همان: ۲۴۷). همچنین به دلیل آنکه خرید از بازار در میان بزرگان رسم نبود و آن را دور از شأن اجتماعی خود می‌دیدند، خرید منزل را خادمان انجام می‌دادند (ابن بابویه، همان: ۲ / ۴۶۳؛ کلینی، همان: ۱ / ۳۲۹). اصولاً خانه‌های بزرگان شهر، دارای یکسری مؤلفه‌های خاصی بود. چنانکه خانه امام به سبک همین خانه‌ها، حمام (ابن شهرآشوب، همان: ۴ / ۴۲۷) و اصطبل نسبتاً بزرگی داشت (کلینی، همان: ۱ / ۴۹۸؛ صفار، همان: ۴۰۶) و یک بهدار نیز حیوانات اهلی اصطبل منزل امام را تیمار می‌کرد (کلینی، همان: ۶ / ۶۲۵؛ مفید، ۱۴۱۳ الف: ۲ / ۳۲۷).

۲) سکونت امام در سامرا

خانه امام در سامرا، به قدری اهمیت داشت که سرپرستی آن یکی از عوامل پذیرش جایگاه امامت آن حضرت به شمار می‌رفت. پایگاه سنتی امامیه در سامرا همین بیت امام هادی علیه السلام بود که به خانه «غیب دانان» (صفار، ۱۴۱۴ / ۱ / ۲۱۱؛ خصیبی، ۱۴۱۱: ۳۳۴) و بیت «ابن الرضا» شهرت داشت (طوسی، ۱۴۱۱ الف: ۲۴۰). این خانه را در دوره امام هادی علیه السلام «ناحیه مقدسه» می‌نامیدند ولی از زمان شهادت آن حضرت «دارابی محمد» (خصیبی، همان: ۳۸۴؛ مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۵۹؛ طوسی، همان: ۲۵۸، ۲۱۸) یا «دارسیدنا» نامیده شد (خصیبی، همان: ۳۳۸؛ ابن طاووس، ۱۳۷۶ / ۱ / ۱۸؛ همو، ۱۳۳۰: ۲۲۶). بعدها در روزگار غیبت صغری، این خانه همچنان خانه ابومحمد علیه السلام خوانده می‌شد (ابن حمزه، ۱۴۱۹: ۵۹۵؛ راوندی، ۱۴۰۹: ۲ / ۷۰۰). بخشی از هزینه تکمیل ساخت این خانه را متوکل با در اختیار قرار دادن ۵۰ هزار درهم به وزیرش، پرداخته بود و در مراسمی نمادین آن را بازگشایی کرده بود (مسعودی، همان: ۲۴۰؛ خصیبی، همان: ۳۲۱). معماری این خانه با الگوبرداری از خانه بزرگان آن دوره، محیطی مناسب برای مراجعه مردمی و دارای دالان‌های تو در تو (خصیبی، همان: ۳۲۹) و حجره‌های پیاپی بود (کلینی، همان: ۱ / ۵۱۱). حجره‌های پشت سر هم، در پایان به اتاقی مخفی می‌رسید که به سرداب منتهی می‌شد (طوسی، ۱۴۱۱ الف: ۲۴۹). طبقه بندی ساکنین این خانه مانند سیمای خانه بزرگان در آن دوره است. چنان‌که بخشی از خانه مختص مردان و قسمت‌هایی نیز ویژه بانوان بود (راوندی، همان: ۲ / ۹۵۸). یک دروازه بزرگ (خصیبی، همان) که خادمی سیاه در آن خدمت می‌کرد (طوسی، همان: ۲۴۹) و یک یا چند دروازه کوچک بود که در آنجا وکلا، نگهبانان، اهل خانه، خادمان، کنیز و بردگان در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند (مسعودی، همان: ۲۴۷). حدود سی نفر خادم و غلام در آن مشغول به کار بودند (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹:

۴ / ۴۲۸؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲ / ۴۳۱؛ خصیبه، همان، ۳۳۱-۳۳۲؛ ابنا بسطام، ۱۴۱۱: ۸۶؛ ابن ابی ثلج، ۱۴۱۰: ۱۲۴، ۳۰؛ حر عاملی، ۱۴۲۵: ۵ / ۱۶؛ ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۷۳). با توجه به احتمال وجود همسر و فرزند برای خادمان و بردگان می‌توان آمار حاضرین خانه را بیشتر از این هم تخمین زد. در این خانه بزرگ، سطح دسترسی اطلاعات داخل خانه همچنان دارای رتبه‌بندی بود. از این رو، تنها برخی از اعضای خانه از اسرار منزل آگاه بودند. آنهایی که بعدها از راویان رخدادهای منزل امام شدند و در حفظ اسرار کوشا بودند (مسعودی، همان: ۲۵۱، ۲۵۹). اعضای خانه، امام حسن عسکری علیه السلام و فرزندش مهدی علیه السلام را «سید» خطاب می‌کردند و امامی مذهب بودند (همان: ۲۶۱). مساحت خانه آن قدر بود که گاهی جمعیتی بالغ بر سیصد نفر می‌توانستند در این خانه گرد هم آیند (مسعودی، همان: ۲۴۵؛ کلینی، همان: ۲ / ۱۱۷). وجود این خانه که به رسم خانه‌های بزرگان سامرا ساخته شده بود، عملاً امام را وامی‌داشت به سبک بزرگان سامرا، خانه را مدیریت کند. برای نمونه در ایام عید قربان آن حضرت با خرید گوسفندان فراوان و تقسیم آن میان یاران، به گونه‌ای احوال آنان را جویا می‌شدند (کلینی، همان: ۱ / ۴۹۸؛ صفار، همان: ۴۰۶). همچنین این خانه از باب شهرت آن حضرت در بخشش، هر روز مورد مراجعه نیازمندان دور و نزدیک بود (کلینی، همان: ۱ / ۵۰۶). از دید عموم مردم، این خانه، مکان مقدسی بود که برای مراجعات دینی (کلینی، همان: ۱۴ / ۷۹۱؛ ابن شهر آشوب، همان: ۴ / ۴۰۲) و شفای بیماران خود می‌توانستند به آنجا مراجعه کنند (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲ / ۵۱۸). جالب‌تر آنکه برخی از درباریان نیز چنین نگاهی به این خانه داشتند (کلینی، همان: ۲ / ۶۰۳؛ مفید، همان: ۲ / ۳۰۳).

۳) سبک زندگی بنی هاشم

دولت عباسی که خود را منتسب به رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌دانست، برای عنصر «هاشمی بودن» احترام و تقدسی قائل بود (ابن شبه، ۱۳۶۸: ۲ / ۶۳۸-۶۳۹). آنها حتی پایتخت نخست خود یعنی بغداد را «مدینه السلام» نامیدند تا هر آنچه به ایشان منسوب است، رنگی از تقدس بیابد (دینوری، ۱۴۲۰: ۴۳۱). در سامرا، افزون بر تقدس نسب «هاشمی»، نشر مفاهیم دینی نیز رنگ و لعاب فقهی داشت. چنان‌که «خمس» به طور مشخص به این خاندان می‌رسید (صولی، ۱۳۴۱: ۲۰۲؛ داوودی، ۱۴۲۷: ۳۳۹). متون روایی اهل سنت این دوره-پیروان جریان اهل حدیث- نیز با روایت‌هایی، خمس را سنت نبوی معرفی می‌کردند (ابوداود، ۱۴۲۰: ۳ / ۱۳۰۱؛ نسائی، ۱۴۱۱: ۳ / ۴۸) و صدقه را بر این خاندان حرام می‌شمردند (ابن زنجویه، ۱۴۲۷: ۵۳۹).

عباسیان با تقدس بخشی به نسب هاشمی، سبک رفتاری خاصی برای خودشان پی‌ریزی کردند. این نگاه چنان در میان طبقه عوام ریشه دوانید که دربار ناچار بود در کشتن تیره هاشم هیچ ردپایی از خود به جا نگذارد، چرا که تقدس بنی‌هاشم که خلیفه نیز از آنان بود، زیر سؤال می‌رفت (طبری، ۱۳۸۷: ۹/۳۹۰). عباسیان از ائمه شیعه با عنوان «پسر عمو» یاد می‌کردند، چنان که هر از چندی امام حسن عسکری علیه السلام را در پیشگاه عوام، عموزاده خود می‌خواندند تا نسب مشترک‌شان را نشانه‌ای بر تأیید خلافتشان از سوی آن حضرت به رخ بقیه بکشند (خصیبی، همان: ۳۱۹، ۳۲۳؛ راوندی، همان: ۱/۴۱۸؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۲/۳۹۶).

بیت امام علیه السلام در سامرا جزو خانه‌های بزرگان بنی‌هاشم بود، از این رو آن حضرت ناگزیر خود را ملتزم به رعایت آداب خانه‌های بنی‌هاشم به‌ویژه در برابر عموم مردم می‌دید (مسعودی، همان: ۲۴۳). البته زمانی که عباسیان از در دشمنی با امام درآمدند، اوضاع دگرگون می‌شد. در این هنگام آنها با فرستادن شخصی از عوام که آداب برخورد با بنی‌هاشم را رعایت نمی‌کرد، سعی می‌کردند شأن امام را بکاهند (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۰۶). البته مراعات بنی‌هاشم، مورد توجه امام حسن عسکری علیه السلام نیز بود. چنانکه هنگامی که احمد بن اسحاق وکیل بلند پایه امام در قم که با حسین بن حسن از نوادگان امام صادق علیه السلام در این شهر برخوردی نکوهش آمیز کرد، امام او را سرزنش کرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۰/۳۲۳).

بنابر عرف بزرگان آن زمان، معمولاً آن حضرت سواره از خانه خارج می‌شدند (راوندی، همان: ۱/۴۳۸). چهارپایان متعددی که در اصطبل خانه نگهداری می‌شدند (صفار، ۱۴۱۴: ۱/۴۰۶؛ کلینی، همان: ۲/۶۰۰)، این امکان را فراهم می‌کردند که ایشان متناسب با هر مجلسی، گاهی درازگوش، استر، شتر و اسب سوار شوند. سوار شدن آن حضرت بر نوعی اسب ترکی سیاه به نام «بردونی» (همان: ۲/۶۳۵) با زینی از دیبای مشکی (طبری، ۱۴۱۳: ۴۲۹) یا شتر ماده (خصیبی، همان: ۳۳۵) یا آستر (ابن طاووس، ۱۳۶۸: ۲۳۷) یا درازگوش زین شده (مسعودی، همان: ۲۵۳)، قرار گرفتن امام در شرایط مختلف را نشان می‌دهد. افزون بر رعایت زی بنی‌هاشم، هیبت الهی ایشان نیز موجب می‌شد تا امام علیه السلام در نگاه عمومی جامعه بالاتر از بنی‌عباس قرار گیرد (مسعودی، بی‌تا: ۲۵۱). شأن قدسی آن حضرت موجب می‌شد تا عوام امامیه و غیر امامیه به صورت کلی وی را بزرگ بشمارند و حتی برخی از درباریان، ایشان را شایسته خلافت بدانند (کلینی، همان: ۱/۵۰۳؛ مفید، ۱۴۱۳ الف: ۲/۳۲۱).

پوشاک مردم در شهر جدید سامرا نیز متمایز بود. سبک پوشش جامعه مدینه عبارت از «عبا»، «عمامه» و شمایل کاملاً عربی بود در حالی که در جامعه نوساز سامرا، پوشش شامل

«طیلسان» و کلاه‌هی به نام «قَلَنسوه» به سبک بزرگان بود. این تغییر پوشاک در سیره ائمه نیز مشهود است. گرچه برخی از پوشش ائمه شبیه پوشاک اهل مدینه بود، اما این لباس اکنون در سامرا، جنبه رسمی و نه تفننی داشت. زیرا کلاه ایرانی یعنی قلنسوه (نویری، همان: ۱۵/ ۱۵۳) و بالاپوش ایرانی یعنی «طیلسان» در این دوره در میان بزرگان مرسوم شده بود (ابن بکار، ۱۴۱۶: ۵۸). امام علیه السلام نیز به عنوان لباس بیرونی به ویژه زمانی که به دربار یا خانه بزرگان آمد و شد می‌کردند، از این پوشش استفاده می‌کردند (مسعودی، همان: ۲۵۳-۲۵۵). البته در مواردی که آن حضرت به حبس می‌افتاد به جای قلنسوه از «شاشه» که نوعی دستار بود، استفاده می‌کردند (همان: ۲۵۳). در مواقع عزا نیز لباس ساده و سفید بر تن ایشان دیده می‌شد (مسعودی، همان: ۲۴۳).

۴- جریان اهل حدیث

با رشد اهل حدیث از سال ۲۳۴ هجری، خلافت عباسی رویکرد پیشین خود در بهره‌گیری از اندیشه معتزله برای حکمرانی را تغییر داد و به حدیث‌گرایان روی آورد. اهل حدیث، همه آن چه را که خود می‌خواستند در قالب روایت به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت می‌دادند (ذهبی، ۱۴۰۳: ۲۱/ ۳۴۲). آنان با در اختیار گرفتن دربار، مساجد و امور دینی، بهترین شرایط را برای نشر اندیشه‌های خود فراهم کرده بودند. این روایت‌ها هم رفتارهای روزانه و اعمال فردی را تحت تأثیر قرار می‌داد و هم به مواجهه با نظرات مخالفان می‌پرداخت. دسته‌ای از این روایت‌ها، جنبه سیاسی داشت و به صورت پیوسته و به ترتیب نام سه خلیفه نخست را یادآوری می‌کرد، تا اندیشه حقانیت خلافت خلفای سه‌گانه را بسط دهد (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۴۴/ ۶۶، ۸/ ۳۵۸، ۱/ ۲۰۱؛ دارمی، ۱۴۲۱: ۲/ ۷۹۰؛ بخاری، ۱۴۱۰: ۱/ ۱۵۸). امامیه نیز با تکرار پیوستگی میان نام‌های محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام، به مبارزه منفی با اندیشه‌های اهل حدیث می‌پرداختند. در کنار هم قرار دادن واژه محمد و علی، حتی در نقش انگشترهای حرزآمیزی که به سفارش امام حسن عسکری علیه السلام انجام می‌شد، حاوی مفهوم همنوایی این دو نام بود (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۴۸). امام علیه السلام نیز انگشتری از نقره به دست می‌کردند (ابن صوفی، همان: ۳۴۲) که نقش آن «یا الله یا محمد یا علی» بود (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲/ ۴۶۷، ۲/ ۴۴۵؛ طبری، ۱۴۱۳: ۵۴۰). در میان خلفای آن عصر، مهتدی به شدت پیرو اهل حدیث بود. او به تأسی از روایتی که در آن آمده بود، اعمال امت دوشنبه و پنجشنبه بر پیامبر عرضه می‌شود (صفار، همان: ۱/ ۴۴۴؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۲/ ۵۵؛ قیسی دمشقی، ۱۴۱۹: ۲۸)، روزهای دوشنبه و پنجشنبه به امور دولت رسیدگی

می‌کرد. با آغاز حرکت‌های علوی علیه عباسیان، مهتدی که بیت امام حسن عسکری علیه السلام را با این تحرکات علوی مرتبط می‌پنداشت، امام را در این دو روز به قصر فرامی‌خواند (نویری، همان: ۲۲ / ۳۲۷) تا از حضور ایشان در سامرا و شرکت نکردن در جنبش‌های علویان مطمئن شود (کلینی، همان: ۲ / ۶۳۹؛ طوسی، ۱۴۱۱: ب / ۲ / ۶۳۹؛ همو، ۱۴۱۱ الف: ۲۱۵؛ طبری، ۱۴۱۱: ۴۲۹).

۵- فعالیت‌های غالیان

نزدیکی اندیشه‌ها و رفتار غالیان به باورهای امامیه و احتمال تأثیر سریع این اندیشه‌ها بر عوام امامیه، همواره مورد توجه امام بود. برای نمونه وقتی خطابیان غالی، دهم محرم را گرامی داشته و برای آن نماز و عبادتی ویژه قرار دادند (ابن قاسم الطبرانی، ۱۹۴۳: ۹)، امام حسن عسکری علیه السلام دستور دادند، امامیه، روزه سوم شعبان را به عنوان روز میلاد امام حسین علیه السلام روزه بگیرند (طوسی، ۱۴۱۱: ب / ۲ / ۸۲۶؛ طبری، ۱۴۱۷: ۱ / ۴۲۰). از زمان امام هادی علیه السلام برخی از سنت‌های مذهبی دچار تحول شد و به صورت آدابی نو در فرهنگ آیینی امامیه نمایان شدند. سنت زیارت که از دیرباز میان امامیه در زیارت مزار امام حسین علیه السلام تبلور یافته بود (اصفهانی، بی‌تا: ۵۰۷؛ عده‌ای از علما، ۱۴۲۳: ۱۲۳)، در این دوره با شکل‌گیری ادبیات جدیدش (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۴۸۶) به زیارت قبور دیگر امامان علیهم السلام نیز تبدیل شد. برای نمونه، در این دوره، به توصیه امام عسکری علیه السلام برخی از خادمان برای زیارت مزار امام رضا علیه السلام به طوس می‌رفتند (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۴۸). در ادامه همین روند، امام به پیروانش سفارش می‌کرد در سفر به مدینه به زیارت مزار امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام هم بروند (طوسی، ۱۴۰۷: ۶ / ۷۸). اما در میان عوام، بخشی از این فرهنگ زیارت، برداشتی آزاد و عوامانه از روایات «من مات لایعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه» (کلینی، همان: ۳ / ۵۹) و بخشی نیز در امتداد احیای امرائمه و روایت «رحم الله من احیا امرنا» بود، که این روایت در فضای مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام دست به دست می‌شد (صفار، همان: ۳۶؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۱۸۷). با این حال در زمانه امام حسن عسکری علیه السلام بیشترین فضل در سنت زیارت مربوط به اعمال حج بود، تا جایی که برتری یک امامی بر دیگران به تعداد حج رفتن او بستگی داشت (کشی، ۱۴۰۹: ۵۳۷-۵۳۵).

سنت زیارت، بستر غلو را نیز فراهم می‌کرد، چه آن که دسته‌ای از شیعیان به این باور بودند، حسین بن علی علیه السلام پیش از قیامت به اعمال بندگان رسیدگی می‌کند و قیامت تنها برای رسیدن به بهشت و جهنم است (حلی، ۱۴۲۱: ۱۱۷). به نظر می‌رسد، این باور در ادامه گفتمان غالیانه

حاکم بر خطابیان بود که در برابر مذهب فقهی، نوعی مذهب آیین مدار را پایه‌گذاری کرده بودند (ابن قاسم الطبرانی، ۱۹۴۳: ۹). این میراث بعدها به فرقه علویان منتقل شد. از سوی دیگر تحولات میدانی آیین‌ها به پرسش‌های فقهی نیز کشیده شد. برای نمونه پرسش از سجده بر قبر به هنگام نماز یا نماز بر سر قبر ائمه علیهم‌السلام با مخالفت آن حضرت همراه شد و ایشان تنها نهادن گونه راست بر قبر را تأیید کردند و نماز خواندن جلوی قبور را نادرست دانستند. امام علیه‌السلام با این استدلال که نباید بر ائمه علیهم‌السلام پیشی گرفت سفارش کردند تا در سمت راست یا چپ قبر ائمه نماز بگذارند (طوسی، ۱۴۰۷: ۲/ ۲۲۸). تهیه تسبیح از تربت امام حسین علیه‌السلام و قرار دادن تربت آن حضرت در کفن مردگان نیز از موارد مورد توجه در این دوره، میان امامیه بود که امام حسن عسکری علیه‌السلام نیز نسبت به آن سفارش کرد (همان، ۷۶-۷۵/ ۶).

۶- تحولات جامعه امامیه در آستانه غیبت

به دلیل نزدیک شدن زمانه امام حسن عسکری علیه‌السلام به عصر غیبت، از نظر امام حسن عسکری علیه‌السلام جامعه امامیه نیازمند هویتی یکپارچه و فراگیر متناسب با ایام غیبت بود. از این رو، امام علیه‌السلام فرمانی صادر کرد و در آن یکسری دستورالعمل‌های اجتماعی و فردی مانند ذکر اذان و اقامه به شکل دوتا دوتا، رنگ کردن سر و ریش (خصیعی، همان: ۳۴۶-۳۴۵)، خواندن ۵۱ رکعت نماز روزانه (واجب و مستحبی)، انگشتر در دست راست کردن، بلند خواندن بسم الله در نماز و پیشانی به خاک ساییدن را به شیعیان سفارش کرد (طوسی، ۱۴۱۱: ۲/ ۷۸۸؛ همو، ۱۴۰۷: ۶/ ۵۲). البته از دیرباز تا سال ۲۶۰ هجری دستور حضرت مبنی بر انگشتر به دست راست کردن یکی از نمادهای امامیه بود، اما از آن سال فرمانی از حضرت مبنی بر انگشتر به دست چپ کردن، داده شد تا امامیه از سایرین بازشناسی نشده و دچار خطر نشوند (ابن شعبه، همان: ۴۸۸؛ حر عاملی، ۱۴۲۵: ۴۸۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵/ ۸۱). در تأیید همین دیدگاه، روایت‌های اهل سنت نیز تأیید می‌کنند که آن حضرت انگشتر در دست چپ می‌کردند (ابن قاسم الطبرانی، همان: ۳۳). همچنین برگزاری مراسم نیمه شعبان هر سال که در سابقه مسلمانان، روزی برای عبادت و بیتوته در مساجد میان امامیه و دیگران بود (کشی، ۱۳۶۳: ۲/ ۸۴۲؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۲/ ۸۴۲)، در این زمان میان امامیه، به شکرانه میلاد امام زمان، به نیایش شب میلاد ایشان تبدیل شد. و امام علیه‌السلام برای آن شب خواندن دعا (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۳/ ۳۳۰) و نماز شکر بر مزار امام حسین علیه‌السلام سفارش کرد (خصیعی، همان: ۳۳۱). این تحول هنگامی رخ داد که امامیه پیام‌های تبریک میلاد مهدی علیه‌السلام را برای امام حسن

عسکری علیه السلام به سامرا فرستادند (طوسی، ۱۴۱۱ الف: ۲۵۱، ۲۳۰). موضوع بسیار مهم دیگر، زیارت اربعین بر اساس متن یکی از روایت‌های امام بود که منظور از آن، خواندن زیارت نامه امام حسین علیه السلام از راه دور در روز چهارم آن حضرت بود (مسعودی، همان: ۲۵۰؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲ / ۴۰۸؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۶ / ۱۱۳-۱۱۴). ابن قولویه (متوفای ۳۶۷) در امتداد جریانی در عصر امام حسن عسکری علیه السلام در کنار افرادی مانند صفار، علی بن بابویه، محمد بن عبدالله حمیری، محمد بن جعفر زراری، محمد بن حسن جوهری و محمد بن احمد مصری با روایت‌های گوناگون به مراسم سازی دامن می‌زدند (مفید، ۱۴۱۳ ب: ۲۴۷). بخشی از فرهنگ آیین‌سازی در آن زمان به مراسمی بازمی‌گشت که طی آن حاجیان سرزمین‌های مختلف برای سفر حج، نخست به سامرا می‌رفتند تا با خلیفه دیدار کنند (کشی، ۱۴۰۹: ۵۳۷؛ ابن طاووس، ۱۳۶۸: ۲۴۲؛ نویری، ۱۴۲۳: ۲۲ / ۳۲۹). امامیه نیز همراه همین کاروان‌ها وارد سامرا شده و به دیدار امام می‌رفتند (کشی، همان: ۵۳۷؛ خصیبه، همان: ۳۶۸)، چیزی که بعدها به سنت زیارت قبور ائمه سامرا، تبدیل شد.

نتیجه

سبک زندگی امام حسن عسکری علیه السلام (۲۳۲-۲۶۰)، به دلیل شرایط ویژه آن حضرت در سامرا و تحت تأثیر «طبقات اجتماعی سامرا»، «خانه امام در سامرا»، «سبک زیست بنی‌هاشم»، «رواج اهل حدیث»، «فعالیت‌های غالیان» و «تحولات جامعه امامیه در آستانه عصر غیبت» با دو دیدگاه «فرازمانی» و «سیره عصری» قابل ارزیابی است. در این تحولات اجتماعی- فرهنگی، نقش نظریه «تأثیر زمان و مکان در سبک زندگی» به روشنی دیده می‌شود. آن حضرت در اثر تغییرات اجتماعی- فرهنگی سامرا، سبک زندگی ویژه‌ای را در پیش گرفتند. افزون بر این، بایستگی‌های توسعه اندیشه امامیه، در رقابت با اهل حدیث، سبک زیست بنی‌عباس، و تلاش‌های غالیان، موجب شکل‌گیری آدابی شد که برای گسترش گفتمان امامیه در آن شرایط حساس، ضروری بود. با این همه، پژوهش پیش‌رو نشان داد، سیره پژوهی در پیوند با مطالعات سبک زندگی اسلامی به مثابه نظریه‌ای در مطالعات تمدن اسلامی، هنوز نیازمند مطالعات ژرف با استفاده از نظریه نقش مکان و زمان در مطالعات سیره است.

منابع

- آيينه‌وند، صادق (۱۳۸۵)، «تاريخ سياسى ائمه هدى: از عصر امام سجاد عليه السلام تا امام عسكرى عليه السلام»، كيهان فرهنگى، خرداد (بهار)، شماره ۲۳۶.
- ابنا بسطام، عبد الله و حسين (۱۴۱۱)، طب الأئمة عليهم السلام، تحقيق محمد مهدي خرسان، قم، دارالشرىف الرضى.
- ابن ابى الثلج (۱۴۱۰)، تاريخ أهل البيت، قم، آل البيت.
- ابن بابويه، محمد بن على (۱۴۰۶)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، رضى.
- _____ (۱۳۹۵)، كمال الدين و تمام النعمة، قم، دار الكتب الاسلامية.
- _____ (۱۳۹۶)، فضائل الأشهر الثلاثة، تحقيق عرفانيان يزدى، غلامرضا، قم، كتاب فروشى داورى.
- ابن بكار، زبير (۱۴۱۶ق/ ۱۳۷۴ش)، الأخبار الموفقيات، تحقيق سامى مكى العانى، قم، الشرىف الرضى.
- ابن حمزه طوسى، محمد بن على (۱۴۱۹)، الثاقب فى المناقب، تحقيق نبيل رضا علوان، قم، انصاريان.
- ابن حنبل (۱۴۱۶)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، تحقيق عامر غضبان، بيروت، مؤسسة الرسالة.
- ابن زنجويه، ابو احمد (۱۴۲۷)، الأموال، تحقيق أبو محمد الأسيوطى، بيروت، دار الكتب العلمية.
- ابن شبة، ابوزيد (۱۳۶۸ش)، تاريخ المدينة المنورة، قم، دار الفكر.
- ابن شهر آشوب (۱۳۷۹)، المناقب آل ابى طالب، قم، مؤسسه انتشاراتى علامه.
- ابن شعبه حرانى، حسن بن على (۱۴۰۴ق/ ۱۳۶۳ش)، تحف العقول، تحقيق على اكبر غفارى، قم، جامعه مدرسين.
- ابن صباغ مالكى (۱۴۲۲)، الفصول المهمة فى معرفة الأئمة، قم، دار الحديث.
- ابن صوفى نسابه (۱۴۲۲)، المجدى فى أنساب الطالبين، قم، مكتبة آية الله المرعى النجفى.
- ابن طاووس، على بن موسى (۱۳۷۶ش)، الإقبال بالأعمال الحسنة، تحقيق قيومى اصفهانى، جواد، قم، دفتر تبليغات اسلامى.
- _____ (۱۴۰۹)، الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان، تحقيق مؤسسة آل البيت عليهم السلام،

- قم، مؤسسه آل البيت.
- _____ (۱۳۳۰)، جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع، قم، دار الرضى.
- _____ (۱۳۶۸)، فرج المهموم فى تاريخ علماء النجوم، قم، دار الذخائر.
- _____ (۱۴۱۱)، مهج الدعوات و منهج العبادات، تحقيق كرماني، ابوطالب و محرر، محمد حسن، قم، دار الذخائر.
- _____ ابن قاسم طبرانى، ابى سعيد ميمون (۱۹۴۳)، مجموع الاعياد، تصحيح ر. شتروطمان، المجلد ۲۷ من مجلة الاسلام، همبورغ.
- _____ ابن عبدالوهاب، حسين (بى تا)، عيون المعجزات، قم، مكتبة الداورى.
- _____ ابن مشهدى، محمد بن جعفر (۱۴۱۹)، المزار الكبير، تحقيق جواد قيومى اصفهاني، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ ابو داود، سليمان بن اشعث (۱۴۲۰)، سنن أبى داود، گردآورنده مصطفى محمد حسين ذهبى، تحقيق سيد محمد سيد، عبدالقادر عبدالخير، ابراهيم سيد، قاهره، دار الحديث.
- _____ اربلى، على بن عيسى (۱۳۸۱)، كشف الغمة، تحقيق سيد هاشم رسولى محلاتى، تبريز، بنى هاشمى.
- _____ اصفهاني، ابو الفرج (۱۴۱۵)، الاغانى، بيروت، دار احياء تراث عربى.
- _____ (بى تا)، مقاتل الطالبين، تحقيق سيد احمد صقر، بيروت، دار المعرفة.
- _____ بخارى، محمد بن اسماعيل (۱۴۱۰)، صحيح البخارى، تحقيق لجنة احياء كتب السنة، قاهره، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلى للشئون الاسلامية، لجنة احياء كتب السنة.
- _____ پاكىچى، سيد احمد (۱۳۹۲ ش)، «حسن عسكرى / امام»، تهران، مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامى.
- _____ تبريزى، عبدالكريم (۱۳۸۱)، «سبرى در سیره فردى و اجتماعى امام حسن عسكرى»، مجله مبلغان، شماره ۲۹، بهار.
- _____ جليل زاده ماكويى، حسين و سيد ابوالقاسم نقيبى (۱۳۹۱)، «تأثير زمان و مكان در تطور آرا فقيهان»، پژوهش‌هاى فقه و حقوق اسلامى (فقه و مباني حقوق اسلامى)، دوره ۸، شماره ۲۷، بهار.
- _____ جناتى، محمد ابراهيم (۱۳۷۲)، «نقش مكان و زمان در اجتهاد»، كيهان فرهنگى، شماره ۸۴، مهر و آبان.
- _____ جهشيارى، أبو عبدالله محمد بن عبدوس (۱۹۹۸/۱۴۰۸)، الوزراء والكتّاب، بيروت، دار الفكر الحديث.

- الحداد، عبدالسادة محمد (۲۰۱۵)، الامام الحسن العسکری (ع) و رواياته الفقهية، دراسة فى دلالات المتون، كربلا، عتبة الحسينية.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵)، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بیروت، اعلمی.
- _____ (۱۴۰۹)، وسائل الشيعة، تحقيق مؤسسة آل البيت (ع)، قم، مؤسسة آل البيت (ع).
- حلی، حسن بن سلیمان (۱۴۲۱)، مختصر البصائر، تحقيق مظفر، مشتاق، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.
- خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۱ق/ ۱۹۹۱م)، الهدایة الكبرى، بیروت، موسسه البلاغ.
- دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن (۱۴۲۱)، مسند الدارمی (سنن الدارمی)، تحقيق دارانی و حسین سلیم، ریاض، دارالمغنی.
- داوودی، أبو جعفر أحمد بن نصر (۱۴۲۷ق/ ۲۰۰۶م)، الاموال، تحقيق محمد أحمد سراج و علی جمعة محمد، قاهره، دارالسلام.
- دهقانی تفتی، محسن (۱۳۸۹ش)، «بررسی تاثیر محیط طبیعی بر رفتار و اخلاق از دید متفکران اسلامی و نتایج آن در طراحی محیط مصنوع»، آرامشهر، شماره ۵، پاییز و زمستان.
- دینوری، ابن قتیبه (۱۹۹۹/ ۱۴۲۰)، أدب الکاتب، تحقيق محمد دالی، بیروت، مؤسسة الرسالة.
- ذهبی، شمس الدین (۱۹۹۳ق/ ۱۴۰۳م)، تاریخ الإسلام، تحقيق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتاب العربی.
- راوندی، قطب الدین (۱۴۰۹)، الخرائج والجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی (ع).
- _____ (۱۴۰۷)، الدعوات، قم، انتشارات مدرسه امام مهدی.
- ربانی، رسول و محمد رمضان (۱۳۸۵)، «بررسی تاثیر محیط بر رفتار فردی و اجتماعی از دیدگاه ابن خلدون»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، بهار.
- سپهوند، زهرا و خلیل الله احمدوند (۱۳۹۳)، «قلمرو و نقش زمان و مکان در فرایند اجتهاد»، پژوهشنامه فقهی، سال سوم، شماره اول، پیاپی ۵، پاییز و زمستان.
- شاد دل، طیبه و سحرکاوندی (۱۳۹۲ش)، «تأثیر عوامل جغرافیایی بر اخلاق»، اخلاق زیستی، سال سوم، شماره نهم، پاییز.
- شعیری، محمد بن محمد (بی تا)، جامع الاخبار، نجف، مطبعه حیدریه.
- صابریان، علیرضا (۱۳۸۵)، «زمان و مکان و نقش این دو در اجتهاد»، پژوهش های دینی، سال دوم، شماره پنجم، تابستان و پاییز.

- صالح دلی، حمدیه (۲۰۱۳)، «الامام الحسن العسكري عليه السلام و سيرته الذاتية و نشاطه السياسي و الفكري»، مجلة الباحث، جلد ۳، شماره ۱.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۱۴)، *بصائر الدرجات في فضائل آل محمد*، تحقيق كوجه باغى و محسن بن عباسلى، قم، مكتبة آية الله المرعشى النجفى.
- صولى، أبو بكر محمد بن يحيى (۱۳۴۱)، *أدب الكتاب*، تحقيق محمد بهجة الأثرى و محمود شكرى الأوسى، بغداد / قاهرة، المكتبة العربية / المطبعة السلفية.
- طبرسى، فضل بن حسن (۱۴۱۷)، *إعلام الورى بأعلام الهدى*، تحقيق مؤسسة آل البيت، قم، مؤسسه آل البيت.
- طبرى، أبو جعفر محمد بن جرير (۱۳۸۷ق/ ۱۹۶۷م)، *تاريخ الطبرى*، تحقيق محمد أبو الفضل ابراهيم، بيروت، دار التراث.
- طبرى آملی صغير، محمد بن جرير بن رستم (۱۴۱۳)، *دلائل الامامه*، تحقيق قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم، بعثت.
- طوسى، محمد بن الحسن (۱۴۰۷)، *تهذيب الأحكام*، تحقيق حسن الموسوى خراسان، تهران، دار الكتب الإسلامية.
- _____ (۱۴۱۱ الف)، *الغيبة*، تحقيق تهرانى، عبادالله و ناصح، على احمد، قم، دار المعارف الإسلامية.
- _____ (۱۴۱۱ ب)، *مصباح المنتهجد و سلاح المتعبد*، بيروت، مؤسسة فقه الشيعة.
- الكعبى، على موسى (بى تا)، *الامام الحسن العسكري عليه السلام سيرة و تاريخ*، [بى جا]، مركز الرسالة.
- كشى، محمد بن عمر (۱۳۶۳ ش)، *رجال الكشى (مع تعليقات مير داماد الأستربادى)*، تحقيق مهدي رجايبى، قم، مؤسسة آل البيت.
- _____ (۱۴۰۹)، *رجال الكشى*، تحقيق محمد بن حسن طوسى و حسن مصطفوى، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
- كورانى، على (۱۳۹۲)، *الامام الحسن العسكري عليه السلام: والد الامام المهدي الموعود عليه السلام*، قم، باقيات.
- كلينى رازى، محمد بن يعقوب (۱۴۲۹ ق)، *الكافى*، قم، دار الحديث.
- عبدالحسين، رواء (۲۰۱۸)، «الامامة الامام الحسن العسكري عليه السلام و الظروف المحيطة بها»، مجلة ابحات البصرة للعلوم الانسانية، شماره ۳، مجلد ۴۳.
- عدهاى از علما (۱۴۲۳ ق/ ۱۳۸۱ ش)، *الاصول الستة عشر*، تحقيق ضياء الدين محمودى، نعمت الله جليلى و مهدي غلامعلى، قم، مؤسسة دار الحديث الثقافية.

- على الصغير، محمد حسين (٢٠٠٩)، الامام الحسن العسكري عليه السلام وحدة الهدف وتعدد الاساليب، بيروت، مؤسسة البلاغ.
- عياشى، ابونصر محمد (١٣٨٠)، تفسير عياشى، تهران، مطبعة العلمية.
- قزوينى، محمد كاظم (١٣٨٤)، الامام الحسن العسكري عليه السلام من المهدي الى الحد، قم، لسان الصدق.
- قيسى دمشقى، محمد بن عبدالله (١٩٩٩/١٤١٩)، نوادر الرسائل ١٤، مجلس فى ختم السيرة النبوية على صاحبها افضل الصلاة والسلام، تحقيق إبراهيم صالح، دمشق، دار البشائر.
- مجلسى، محمد باقر (١٤٠٣)، بحار الانوار، تحقيق جمعى از محققان، بيروت، دار إحياء التراث العربى.
- محققين موسسه ولى عصر عليه السلام (١٤٢٦)، موسوعة الامام الحسن العسكري عليه السلام، قم، مؤسسة ولى عصر عليه السلام.
- مسعودى، على (١٣٨٤/١٤٢٦)، اثبات الوصية، قم، انصار بيان.
- مسعودى، على بن حسين (بى تا)، التنبيه و الاشراف، تصحيح عبدالله اسماعيل الصاوى، قاهره، دارالصاوى.
- مفيد، محمد بن محمد (١٤١٣-الف)، الإرشاد، تحقيق مؤسسة آل البيت، قم، كنگره شيخ مفيد.
- _____ (١٤١٣-ب)، كتاب المزار، تحقيق ابطحى، محمد باقر، قم، كنگره.
- نگارش، حسين (١٣٧٤ش)، «جبرگرایى يا دترمینیسم جغرافیایی»، مجله علوم انسانی، شماره ١، سال اول، پاییز و زمستان.
- نسائى، احمد بن على (١٤١١)، سنن النسائى، تحقيق بندارى عبدالغفار سليمان، بيروت، دار الكتب العلمية.
- نویری، شهاب الدين (١٤٢٣)، نهاية الأرب فى فنون الأدب، قاهره، دارالكتب و الوثائق القومية.
- ياسين درويش، جاسم (٢٠١٨)، «رعاية الطفولة و الاعداد التربوى فى مرويات الامام الحسن العسكري»، ابحات البصرة للعلوم الانسانية، شماره ٤٣.
- يعقوبى، احمد بن واضح (١٤٢٢)، البلدان، تحقيق محمداميم ضناوى، بيروت، دارالكتب العلميه.